

ادامه از صفحه اول

### افسانه حسن و معدن

این عبارت آقای معاون دادستان کل، به این معناست که آقای حسن روحانی و دستگاه اداری‌اش در اقدامی خیانتکارانه در حال مزایده معدن کشورند. پرشی از این مقام قضائی این است که برای پیشگیری از وقوع جرم چرا حکم توقیف سامانه مربوطه را در وزارت صمت نمی‌دهید؟ شما مقام قضائی هستید و از قدرت و اختیار لازم برخوردارید. مگر این عین جمله شما نیست: «با عجله معدن رو گذاشتن برای مزایده»؛ پس منتظر چه هستید؟ چرا توقیف و تعطیل نمی‌کنید؟ اگر این ادعا درست باشد، اعمال خیانت‌آمیز در فروش معدن یعنی قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون

اساسی درخصوص واگذاری‌ها و مقررات مربوط به مزایده‌ها ناپدید گرفته می‌شود؛ یعنی در ۳۱ استان، ۳۱ مدیرکل صنعت و معدن و ۳۱ مدیرکل وزارت اطلاعات و ۳۱ مدیرکل فلان دستگاه همگی دست‌اندرکار یا حداقل شاهد و ناظر چنین تخلف عظیمی در کشور هستند.

به این شمار اضافه کنید وزیران و معاونان آنها را. این به آن معناست که اساسا در این کشور معدان را می‌توان به این راحتی و در یک ماه به فروش رساند و قوه مجریه جمهوری اسلامی دست اندرکار فساد بزرگی است. سخن آقای معاون دادستان به‌زودی و به افروختگی از سوی افرادی همچون «سهراب»، همان رزمنده قدیمی سابق و مبارز سایبری فعلی، در فضای مجازی بازنشر می‌شود و عامه مردم بی اطلاع آن را گواهی بر این می‌گیرند که فساد از سر روی کشور بالا می‌رود؛ «شاید هم برود؛ ما که از همه چیز مطلع نیستیم». سخنان آقای سعید عمرانی را حمل بر دلسوزی ایشان می‌گذاریم و البته مسئولان دلسوز برای کشور ارزشمندند، اما یک مقام قضائی انتظار می‌رود سخنش به استواری منطق حقوقی باشد. از قاضی و دادرس انتظار صلابت حقوقی و استحکام منطقی می‌رود، نه شایبه‌سازی سیاسی و ابهام‌پردازی اداری. بدیهی است که عامی و عالم باید به‌گونه‌ای متفاوت سخن بگوید؛ چون از وزن متفاوتی در جامعه برخوردارند. یکی نشسته در گوشه‌ای و دیگری جلوس کرده بر کرسی دادرسی. یکی با سواد سوم ابتدایی و کارشناسی ارشد اعطایی و دیگری با «دکترای» قضائی. این دو، باید از حیث اعتبار و باتزاب پیامدها به‌گونه‌ای متفاوت سنجیده شوند. سخنان مقام قضائی در فضای مجازی نشانان

می‌تازد و می‌پیچد و بر طبل حقیقت می‌کوبد. در نگاه عامه مردم، متهم، مجرم است؛ چون گوینده «یک مقام قضائی و لایند آدم مطلع و معتبری است». در «افسانه حسن و معدن» مهم‌تر از هر چیز قدرت، شان و منزلت دستگاه قضاست که مورد توجه گفتار ماست. نگاه ما به قدر قوه قضا در این روزهای جمهوری اسلامی، نگاهی نگران و افسرده است.

پرده اول، نتیجه گفتارهای ما در پرده دوم است. **پشت پرده**: دامنه پذیرش ادعاهای بی‌پایه فقط به کم‌سودان محدود نمی‌شود. من بسیاری از تحصیل‌کردگان و سخنرانان را می‌بینم که ادعاهای را می‌پذیرند که از اساس باطل است. ما انسان‌ها، گاهی به دلیل تمایلات‌مان، از سر صدق دروغ می‌گوییم و دروغ می‌پذیریم. در امور سیاسی، گاه برای «ضای خدا»، نماز بهتان می‌کنیم. همه اینها در سایه‌سار «رژیم حقیقتی» است که از باورها ساخته‌ایم. «رژیم حقیقت» یعنی سازه‌ای از باورها که انسان‌ها برای خود می‌سازند. بر اساس آن همه چیز را هر چه می‌کنند و هر خدای مسمومی را که به هاضمه آن سازه بخورد، می‌بلعند. اینک، موتور آن «رژیم حقیقت» برای حسن روحانی به‌خوبی کار می‌کند؛ غافل از آنکه همه اینها به‌زودی و بلکه از هم‌اکنون، به حساب همه نوشته می‌شود.

سال‌هاست گروه‌های خاص، سخن‌بازان حرفه‌ای استفاده‌ی و برخی تریبون‌ها، با ساده‌لوحی تمام، دیوارهای کاذب از باورهای باطل برساخته‌اند که آوار آن خواهان‌خواه بر سر خودشان فرود خواهد آمد. البته ما انتظار و آرزوی چنین روزهایی را نمی‌کشیم. مشفقانه آنان را تبه می‌دیم شاید از حصار تنگ و مخوف خودبینی درآیند. راه را از چاه نشان می‌دهیم و تأکید می‌کنیم که باید به بازسازی اعتماد عمومی پرداخت. همه ما مسئول فروپاشی اعتماد هستیم.

**زینب اسماعیلی**: واقعیت صحنه همیشه از آنچه فکر می‌کنیم، بزرگ‌تر است. شاید در نام و روی کاغذ، وزیر خارجه دولت سیدابراهیم رئیسی شدن کار سهلی به نظر بیاید؛ اما در واقعیت حتما وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران شدن، کار سختی است؛ زیرا قرار است فرد جدید جانشین محمدجواد ظریف بشود. با همه انتقاده‌ها و اعتراض‌ها و تخریب‌هایی که در هشت سال گذشته نثار او شد، نمی‌توان سختی کار او را نادیده گرفت. او در همه سال‌های وزارتش با ارتشی در داخل و ارتشی در خارج در حال جنگ بوده؛ اگرچه شغلسن دیپلماسی بوده است.

کمتر از یک ماه دیگر ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور منتخب، باید اسامی اعضای کابینه‌اش را برای رأی اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی کند. درباره اغلب وزرائی که او قرار است به کار بگیرد، تصویر روشنی وجود ندارد؛ اما بازار گمانه‌زنی‌ها داغ است و اهالی هر حوزه‌ای با اسامی متفاوت و گاه غریبی برای نخستن روی صندلی وزارت می‌ششوند. وزیر خارجه دولت سیزدهم کیست؟ این حتما سؤال مهمی است. چه کسی قرار است بالاخره شاخ غول تحریم‌ها را بشکند؟ آیا قرار است اساسا این غول، کمر خود کند یا نه؟ چه کسی قرار است با قارج بزرگی که در افغانستان روینده، مواجه شود؟ اساسا می‌خواهد مواجه شود یا در سکوت با آن کنار آید؟ مسئول تنظیم رابطه با شرق و غرب جهان، کشورهای خلیج فارس و منطقه پراشوب خاورمیانه قرار است چه کسی باشد؟ اساسا فرد منتخب قرار است متجری باشد یا شانی از تصمیم‌سازی و مشورت را در نهادهای بالادستی خواهد داشت؟ و سؤال مهم‌تر اینکه قرار است چه کسی نماینده ۸۰ میلیون ایرانی باشد و از منافع آنها در جهان صیانت کند؟ آیا اساسا قرار است چنین اتفاقی رخ دهد یا تنها منافع رای‌دهندگان ارجح است؟ همه اینهاست که نشان می‌دهد جانشین محمدجواد ظریف بودن کار سختی است؛ همان‌طور که برای او سخت بود، فروغی مقایسه می‌شد.

آنچه پیش از همه گمانه‌زنی درباره وزیر خارجه آینده را سخت می‌کند، اعلام استقلال رئیس‌جمهور منتخب در جریانات سیاسی شناخته‌شده کشور است. اگرچه نزدیکی جریان فکری او به طیف اصولگرا را نمی‌توان نادیده گرفت؛ اما انتشعاب‌های متفاوت، سختگیری و سهل‌گیری‌های این طیف در مواجهه با جریان‌های داخلی و خارجی –که نمونه خاضش را می‌توان در

## دیپلماسی



# مصائب جانشین ظریف شدن

**نگاهی به گزینه‌هایی که به‌عنوان وزیر خارجه آینده مطرح هستند**

سال‌ها ناسزاگفتن به و اکنون مدعی آن بودن دید- جمع‌بندی را سخت می‌کند.

**سعید جلیلی کجا می‌ایستد؟**

اما وزیر خارجه آینده حتما تابعی از جینش کلی کابینه است؛ به‌ویژه جایگاهی که احتمال دارد دولت رئیسی برای سعید جلیلی در نظر بگیرد؛ کاندیدایی که دو روز قبل از انتخابات به نفع او از ادامه رقابت انصراف داد. سعید جلیلی مدعی کار و تجربه در حوزه‌های دیپلماتیک است و نشان‌های دبیرو او بر شورای عالی امنیت ملی و هیئت منظره ایران در دولت احمدی‌نژاد است. اگرچه باید دید او مایل به ادامه کار در دولت سایه‌اش است یا بالاخره نوشتن املا را آغاز می‌کند تا دیگران غلط‌های او را بگیرند.

**ازکن تا امام صادق**

جلیلی در سکوت ریاست بر شورای عالی امنیت ملی یک بار همیشگی داشته که در جریانات مذاکرات حضور فعال داشت، آن‌هم علی باقری‌کنی است. فردی که در وزارت خارجه آمریکا و اروپایی وزارت خارجه در دولت احمدی‌نژاد را دارد و اکنون در بازار شایعه نام او به‌عنوان وزیر خارجه احتمالی مطرح است؛ اما آنچه به این شایعه قوت می‌بخشد، استقرار موقت علی باقری‌کنی در وزارت خارجه برای انتقال اطلاعات و برنامه‌های کاری از وزارت خارجه ظریف است. باقری‌کنی در اولین ملاقات خارجی رئیسی بعد از انتخابش با وزیر خارجه هند نیز حضور داشت. شاید این تصویر در تمام چهار سال آینده تکرار شود و او را همراه همه مهمانان خارجی در ملاقات با رئیس‌جمهور ببینیم. باقری‌کنی در همه این سال‌ها با طیف اصولگرا محصور بوده، از معاونت سعید جلیلی به معاونت ابراهیم رئیسی در قوه قضائیه رسید.

معاون بین‌الملل و دبیر ستاد حقوق بشر، از سال‌هایی که مذاکره‌کننده ارشد هسته‌های ایران بوده، تاکنون محاسن سعید کرده و همچنان رابطه چندانی با رسانه‌ها ندارد و مصاحبه مفصلی با او نمی‌توان یافت تا با نظرآتش آشنا شد. املای نانوشته هم که حتما غلطی ندارد. باقری‌کنی یک امتیاز بزرگ دارد که برای دولت رئیسی می‌تواند جذاب باشد. او عضو یک خانواده بزرگ مذهبی است و حتی وصلت او نیز با خانواده‌های مذهبی بوده است. او به‌رادرزاده محمدرضا مهدوی‌کنی است، روحانی مورد وثوقی که در سال‌های آخر کجایش نقش‌منبتی در ایجاد تعادل بین جریان‌های سیاسی ایفا می‌کرد. علی باقری‌کنی مانند سعید جلیلی و همفکران‌شان از طیف تحصیل‌کردگان دانشگاه امام صادق است که به نظر می‌رسد جایگاه خوبی در دولت سیزدهم خواهد داشت.

چراغانی و شہریت‌دادن دانشجویان دانشگاه در میانه کرونا و کارزار انتخاباتی مقابل دانشجویان امام صادق شاهد کوچکی از این آینده پیش‌رو بود.

**یک چهره آشنا در منطقه**

حسین امیرعبداللهیان نیز گزینه‌ای است که طیفی از اصولگرایان علاقه‌مند انتخاب او به‌عنوان وزیر خارجه هستند. اگرچه خودش این احتمال را رد کرده و بعد از انتخابات سال ۹۶ نیز در پاسخ به سؤال من که آیا گزینه آقای رئیسی برای وزارت خارجه بودید، پاسخ داد که افراد دیگری نزدیک‌تر از او به آقای رئیسی هستند (نقل به مضمون از مصاحبه‌ای که در روزنامه «شرق» چاپ شد). است. او امیرعبداللهیان چند امتیاز دارد. با ساختار وزارت خارجه آشفتاس، اطلاعات از مناسبات منطقه‌ای و تسلطش به چند زبان، جزء امتیازات او و نهاد همکار وزارت خارجه یعنی سپاه قدس نیز رابطه خوبی با او

## وزیر خارجه دولت بعدی و اولویت‌های او

در مورد خاص وزیر خارجه، به دلیل تأثیر متقابل سیاست خارجی و سیاست داخلی بر هم و نیز به دلیل ضرورت پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری، به طریق اولی بهتر است یکی از نزدیکان فکری رئیس‌جمهور جدید عهددار وزارت خارجه شود. هم‌زمان با توجه به دشواری‌ها و چالش‌های عظیم کشور در سیاست خارجی و اثرات آن بر شرایط اقتصادی کشور که در اوج بی‌سابقه‌ای قرار دارد، ضرورت بیشتری دارد که وزیر خارجه آتی شناخت عمیق و دقیقی از روابط بین‌الملل و سیاست و حکومت کشورهای تأثیرگذار، داشته و هم‌زمان از درک علمی واقع‌بینانه‌ای درباره موقعیت ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار باشد. در شرایطی که در آن قرار داریم، یک تکنسین تجربی روابط بین‌الملل که ضمن اشتغال به کار مدرکی هم گرفته است و تخصصش بیشتر کار راه‌اندازی دیپلماتیک است، مشکل می‌تواند کمکی به رفع مشکلات اساسی کشور در سیاست خارجی کند. به‌طور کلی، یکی از دلایل ضعف ما در سیاست خارجی، عدم شناخت یا شناخت ناقص مقامات ما از دنیای خارج است. زندگی نکردن در خارج و ندانستن یک زبان خارجی و استفاده‌نکردن مستقیم از منابع خارجی برای اطلاع از شرایط بین‌المللی و متکی‌بودن به ترجمه‌های

دیپلمات فعلی ایران دانست. او به اندازه ظریف به مباحث حقوق بین‌الملل اشراف دارد و برجام را از نقطه صفر تا صد به خوبی می‌شناسد. اگرچه برای دولت رئیسی در فضای سیاسی داخلی کم‌هزینه نخواهد بود که عراقچی را برای وزارت خارجه پیشنهاد کند؛ اما می‌تواند انتخاب خوبی باشد. حتی ابقای او به‌عنوان معاون وزیر خارجه نیز می‌توانند بازوی کمکی خوبی برای وزیر آینده باشد. اگرچه قانونا معاونان وزیر لازم نیست به تأیید رئیس‌جمهور برسند؛ اما عرفا درباره وزارت خارجه این کار صورت می‌گیرد. آقای عراقچی تاکنون تأیید محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی، دو رئیس‌جمهور از دو طیف متفاوت فکری را به دست آورده، بعید نیست که تأیید ابراهیم رئیسی را نیز به دست آورد. بد نیست یادآوری کنم که عراقچی از فروردین ماه تاکنون با تأیید مقامات ارشد نظام در حال هدایت مذاکرات در وین است و این یعنی او در سطح بالایی از مقبولیت در نظام برخوردار است. عراقچی در جلسه ظریف با رئیسی که بعد از انتخابات برگزار شد، نیز حضور داشت. شاید همه این پتانسیل‌ها آقای عباس عراقچی با آن کیف سیاه کوچک را که ای بارزانش جا می‌دهد، کاندیدای نخستن بر صندلی وزارت کند، اگر نه، در همان سمت معاونت سیاسی باقی بگذارد.

**کاندیدی که خوب کار می‌کند**

کازم غریب‌آبادی، نماینده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نیز گزینه‌ای است که اسمش شنیده شده، او البته دیپلماتی است با سابقه کار در حوزه خلع سلاح اما معاونت بین‌الملل و قضائی حقوق بشر آرموده است. آن‌هم زمانی که مسئول‌ها این سمت به نام محمدجواد اردشیر لاریجانی شش‌ساله شده بود؛ اما با افول خاندان لاریجانی در قوه قضائیه، او نیز از سمت خود کنار گذاشته شد. غریب‌آبادی اگرچه فردی سیاسی به نظر نمی‌آید، اما اظهاراتش در همین دو سمت اخیرگی که داشته نشان می‌دهد او می‌تواند دستورات را به‌خوبی و در چارچوب تعریف‌شده اجرا کند؛ اما ناگفته پیداست که این سطح از کاربندی در اجرا، امتیاز بالایی برای تصدی وزارت خارجه به فرد نمی‌دهد.

اگرچه بعید به نظر می‌رسد که تا یک ماه دیگر، افراد دیگری هم به این اسامی اضافه شوند؛ اما نمی‌توان به قطعیت گفت وزیر خارجه آینده یک نفر از همین اسامی باشد. چیشن کلی کابینه شاید کاندیداها را متاثر از تغییراتی کند که صبح روز تحلیف همه را غافلگیر کند.

است. با توجه به اینکه تحریم خود به مانع مهمی در راه شفافیت و قانون‌مداری به‌عنوان دو پیش‌شرط غلبه بر سوءمدیریت و فساد تبذیل شده است، چنانچه کام اول مورد اشاره رده‌شده نبود، برداشتن دو گام بعدی نیز چندان ممکن یا نمرخزش نخواهد بود.

اولویت بعدی وزیر خارجه باید تلاش برای ایجاد توازن در سیاست خارجی باشد. با سیاست خارجی نامتوازن هرگز راه به جایی نخواهیم برد. استفاده از رقابت بین قدرت‌ها و بلوک‌های جهانی همواره یکی از نقاط قوت کشورهای متوسط و کوچک بوده است. درباره لزوم توسعه رابطه با شرق و کشورهای همسایه اختلاف نظر یا مانعی در داخل وجود ندارد. حداکثر تلاش هم تاکنون در این زمینه شده و باید بشود؛ اما مشکل این است که اقتصاد ما و اقتصادهای همسایگان و شرقی‌ها مکمل یکدیگر نیستند. آنها در حوزه سرمایه، فناوری و مدیریت روز یا حرف چندانی برای نزد نذارتند یا در غیاب رقب، فشار چندانی برای کار ما در این حوزه‌ها احساس نمی‌کنند. در نتیجه، رابطه ما با شرقی‌ها و همسایگان تاکنون عمدتا محدود به خت‌فروشی و خرید مصنوعات از برخی از آنها بوده است. به‌علاوه، سیاست خارجی نامتوازن تاکنون موجب شده که در حوزه‌های ژئوپلیتیک نیز بهره چندانی از شرق نبریم.

## چشم‌انداز پیش‌روی کابینه سیزدهم

اول حکایت از تفاوت‌های آشکار و اعلام‌شده‌ای دارد که در قبال آنچه در هشت سال گذشته از سوی دولت‌های یازدهم و دوازدهم به اجرا درآمده است، به وجود خواهد آمد و علی‌القاعده راهبرد جدید، الزامات و نیروهای اجرایی متناسب با این مسیر متفاوت از گذشته را نیز نیاز دارد و بنابراین به نظر می‌رسد این شرایط در تعیین مشخصه‌ها و ضرورت‌های لازم برای اعضای کابینه سیزدهم و به‌خصوص در تعیین مسئول آینده دستگاه دیپلماسی کشور حائز اهمیت فراوان است.

اینکه ملاک انتخاب وزیر خارجه برای اجرای سیاست خارجی کشور چگونه باشد، سؤال چندان مشکلی نیست که تنوان از میان کاندیداهای بالقوه و فراوان این منصب حساس دولت و کشور، افرادی را مدنظر قرار داد. بااین‌حال، مقدمه این انتخاب، الزاماتی است که می‌تواند جهت حرکت و سمت‌وسوی دیپلماسی آینده جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر تجربه کاری، آشنایی کافی با گردش کار در دستگاه سیاسی خارجی، مقبولیت در میان مجموعه‌های که قرار است به همراه آنان اجرا و پیگیری سیاست خارجی در سطح داخل و خارج از کشور در دستور کار باشد، شناخت‌بودن مکفی برای مجامع بین‌المللی و به‌ویژه حوزه‌های مشخص در اولویت‌های سیاست خارجی کشور، زبان‌دان و مسلط به بیان نظرات و دیدگاه‌های خود بدون واسطه‌بودن، کسب اجماع داخلی از منظر دیدگاه‌های سیاسی و جناحی تشکیل‌دهنده و حمایت‌کردن دولت آینده فرانسیزده بین‌المللی و در مجلس شورای اسلامی از اهم آن است و سرانجام وضعیتی روبه‌روست که خروج از آن باید از اولویت‌های دولت سیزدهم باشد، چارچوب اجرایی نگاه به دنیا و مناسبات آتی کشور را رقم خواهد زد؛ اینکه عبور از دوران تحریم‌ها و سروسامان‌دادن بخش مهمی از روابط خارجی کشور از مسیر تحقق اجرای کامل برجام و بازگشت کلیه امضاکنندگان این موافقت‌نامه بین‌المللی به تعهدات خود می‌گذرد یا اینکه برجام همه مقدرات کشور نبوده و نباید معطل آن ماند و سرراغ راه‌های

بوده و باور به آن مستلزم گذشت زمان و ارزیابی نتایج خواهد بود.

البته امروزه و در اغلب کشورهای مبتنی بر دموکراسی و انتخابات ریاست‌جمهوری، معمولا کاندیداها هنگام معرفی خود به افکار عمومی، چه از طریق احزاب و چه به‌عنوان مقولاتی با مشخصات هر کشور، تیم همراه خود یا حداقل امهات آن را به نوعی در معرض دید و قضاوت

همگانی برای رای‌دادن قرار می‌دهن و پس از برگزیده‌شدن با همان افراد، همراه رئیس‌جمهور در کابینه و در مصادر مدنظر قرار می‌گیرند و این روند تحت عناوینی همچون «کاندیده در سایه» یا «رئیس‌جمهور همراه با معاون وی» (در آمریکا) و دیگر نمونه‌ها و مقولات در کشورهای دیگر، روشی در تعیین کابینه و همراهان رئیس‌جمهور برای تصدی امور تلقی می‌شود. با وجود اظهارات و اقدامات رئیس‌جمهور منتخب در چارچوب این فرض که به صورت مستقل و بدون واداربودن به دسته‌ها و گروه‌های سیاسی و جناحی وارد صحنه انتخابات شده و شایسته‌سالاری میزان و ترازوی انتخاب همکاران ایشان است و با اعلام سامانه نظرخواهی مردمی بر این نظر تأکید کردند، واقعیت صحنه انتخابات و دسته‌بندی‌های سیاسی و جناحی موجود، اجازه کنارگذاشتن این واقعیت را نمی‌دهد که تنها اکتفاکردن به اظهارات و نظرات اصولی و محوری رئیس‌جمهور منتخب برای تعیین کابینه، کفایت نمی‌کند و نمی‌توان نقش همراهان و یاورانی را که تحت هر عنوان در طول مسیر رسیدن به پاستور ایشان را مساعدت کردند، منتفی دانست. بنابراین این امر مرحله به بعد است که نقش و میزان تأثیرگذاری ائتلاف و مؤتلفان در تشکیل دولت آتی مشخص می‌شود که دیدگاه‌های مجلس در قبال کابینه، گروه‌های سیاسی همراه و همسو، افراد و شخصیت‌های مؤثر در کسب آرا، ترکیب و دیدگاه‌های هفت کاندیدای احرازصلاحیت‌شده شورای نگهبان و کنارکشیدن گروه کثیری از این کاندیداهای فرضی قبل و بعد از اعلام نظر شورای نگهبان به نفع کاندیدای منتخب و بسیاری عوامل دیگر را می‌باید مدنظر قرار داد. در همین مرحله است که این سؤال درباره کارایی و میزان تأثیر نظرات مردم در «سامانه نوظهور» در میان امواج مؤثر در تعیین اعضای کابینه مطرح می‌شود که هدف واقعی از طراحی و ارائه سامانه نظرخواهی مردمی برای معرفی افراد کابینه چه بوده است؟

آنچه از اولین اظهارات رئیس‌جمهور منتخب درخصوص راهبرد دولت آینده برای به‌دست‌گرفتن مقدرات اجرایی کشور برداشت می‌شود، در وهله



**کوروش احمدی**

**دیپلمات سابق**

با توجه به شرایط کشور، می‌توان انتخاب وزیر خارجه دولت بعدی را مهم‌ترین چالشی به‌شمار آورد که آقای رئیسی با آن مواجه است.

بی‌شک، وزیر خارجه مهم‌ترین عضو کابینه آینده خواهد بود؛ چراکه هم کشور در تحریم است و هم با طیف گسترده‌ای از منازعات در سیاست خارجی مواجه است. طبعاً، رئیس دولت بعدی حق دارد افراد همفکر و همسو با سیاست‌های داخلی و خارجی خودش را به‌عنوان وزیر برگزیند. وزرائی که او برمی‌گزیند و رای اعتماد مجلس را خواهند گرفت، در حکم سیاست‌مدارانی خواهند بود که باید در خطوط اساسی با رأس قدرت همسو و همفکر باشند و به سیاست‌هایی که باید اجرا کنند، باور داشته باشند. وزیر صرفا یک مقام اجرائی نیست که ضمن ارائه نظرات کارشناسی خود در داخل تشکیلات صرفا مأمور اجرای سیاست‌های داخلی ابلاغی باشد.



**ابوالقاسم دلفی**

**سفیر سابق ایران در فرانسه**

پس از برگزاری انتخابات اخیر، با تمام حرف‌وحدیث‌های آن که دیگر باید به دست فراموشی سپرد و به روزمرگی جریانات و تحولات کشور که رودرروی بسیاری از معضلات قرار دارد پرداخت، از بین تمامی موضوعاتی که محافل سیاسی و فکری کشور را به جهات و از درجه‌های مختلف به خود مشغول کرده است، وضعیت و ترکیب دولت آتی و کابینه سیزدهم که باید سرنوشت و مقدرات کشور را برای حداقل چهار سال آینده در دست بگیرد، از اهمیت و جایگاه به‌خصوصی برخوردار است که پرداختن به آن از برخی جوانب می‌تواند ننگرگاه و کورسوی امید جامعه برای عبور از شرایط بحرانی فعلی را تصویر کند. ظاهراً اقدامات و تحرکاتی که در جهت تشکیل دولت در فاصله پایان انتخابات تا به امروز در دست انجام بوده، برای رسیدن به این شناخت و باور است که تیمی تدارک دیده شود تا جوابگوی مطالبات مردم و منعکس‌کننده شعارها، اظهارات و قول‌های دوران انتخاباتی بوده و هم‌زمان افق‌انگشده متولیان و صاحب‌منصبانی باشد که در فراهم‌سازی مقدمات پیروزی و دستیابی به ریاست قوه اجرائی کشور، نهایت همکاری و مساعدت را در ارباب و سطوح مختلف به عمل آورند. در اولین نگاه، این‌گونه به نظر می‌رسد که از دیدگاه رئیس دولت آینده کشور، نظرات مردم در گزینش اعضای کابینه نقش مهمی داشته و اعلام عمومی سازوکاری برای دریافت نظرات مردمی، اقدامی عملی در تحقق این نظر و ایده بوده است. اینکه مسیر مراجعه به آرای عمومی و آگاهی از نظرات مردم درخصوص اعضای کابینه با مسیری که نظام در راه انتخاب رئیس‌جمهور پیش پای مردم قرار داده است، چه میزان مطابقت، همراهی و همسویی داشته و چگونه می‌توان تفاوت‌های این دو مسیر را توجیه و تفسیر کرد، بحث مستوفایی است که باید توجه مسئولان به آن جلب شده باشد. در کنار این واقعیت، اصولا نظرخواهی از مردم در قبال موضوعی که در اصل در ظرفیت دیگری بر عهد متولیان تعیین کابینه و پاسخ‌گویی‌های بعدی آنها در قبال انتخاب عمل خود است، مقوله‌ای است که برای اولین بار در کشور و پس از نتایج رئیس‌جمهور، در حال وقوع

ادامه از صفحه ۲

### از موشک نازعات تاواکسن برکت

دوم؛ با توجه به مشکلات پیش‌بینی‌نشده ناشی از تکنولوژی، تحریم‌ها و محدودیت زیرساخت‌ها و امکانات کشور، مسئولان ارشد دولت، تنها به وعده‌ها و برنامه‌های اعلام‌شده از سوی تولیدکنندگان داخلی بسنده نکنند و با تأمین واکسن از خارج، مانع واردشدن هزینه‌هایی نظیر تلفات داخلی بیشتر و سفرهای خارجی برای واکسن شوند. تصور کنید اگر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و فرماندهان نظامی کشور به دنبال تأمین موشک از خارج نمی‌رفتند و منتظر موشک داخلی می‌ماندند، ما نمی‌توانستیم هدف‌هایی نظیر بجز رافدین در بغداد را در آستانه اجلاس کشورهای عربی هدف قرار دهیم و عملا در جنگ شهرها شکست می‌خوردیم که هزینه سنگین انسانی و نظامی برای کشور داشت.